




Requirements of the “Power Continuum” in Foreign Policy Based on the Intellectual worldview of Ayatollah Khamenei

Alireza Sahraei

PhD in Political Science from Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

sahraie1979@chmail.ir

 0000-0000-0000-0000

Abstract

Power is the central axis of international relations and foreign policy, and the type and extent of its use reflects the degree of significance and influence of actors within the international system. The field of foreign policy analysis, as one of the key arenas of power, examines and explains states' external behavior and orientations, which constitute the core outputs of every country's foreign policy. The “power continuum” in foreign policy encompasses both hard power, which is coercive and often direct and physical, and soft power, which is indirect and long-term, relying more on persuasion than force or coercion, and serves as a key instrument of foreign policymaking. This article seeks to construct the essential components of the power continuum in foreign policy within Ayatollah Khamenei's intellectual framework by analyzing its key dimensions based on Christopher Hill's model. The central question is: By examining the indicators of Ayatollah Khamenei's intellectual framework, which aspects of the power continuum in foreign policy appear to have been most emphasized by him? In response, the hypothesis proposed is that in Ayatollah Khamenei's intellectual framework, the power continuum in foreign policy simultaneously emphasizes both soft and hard dimensions of power (smart power). This research is descriptive-analytical in nature, and the required data has been collected through a library-based method, drawing on reliable books, articles, websites, and documented reports.”

Keywords: A power continuum; foreign policy; Ayatollah Khamenei; soft power; hard power.



مقاله پژوهشی

بایسته‌های «پیوستار قدرت» در سیاست خارجی مبتنی بر منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای

علیرضا صحرای

دانش آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

sahraie1979@chmail.ir

0000-0000-0000-0000

چکیده:

قدرت، مرکز ثقل روابط بین‌الملل و سیاست خارجی است و نوع و میزان استفاده از آن نشان‌دهنده درجه اهمیت و نفوذ بازیگران در نظام بین‌الملل است. عرصه تحلیل سیاست خارجی به‌عنوان یکی از آوردگاه‌های مهم قدرت است که به بحث در جهت تبیین رفتارها و جهت‌گیری‌های خارجی دولت‌ها (به‌عنوان اساسی‌ترین برون‌داد سیاست خارجی هر کشور) می‌پردازد. پیوستار قدرت در سیاست خارجی شامل هم قدرت سخت که اجبارآمیز است و اغلب شکلی بی‌واسطه و فیزیکی دارد و هم قدرت نرم که غیرمستقیم و بلندمدت است که بیشتر از طریق مجاب‌سازی عمل می‌کند تا زور یا وسیله‌های در دسترس سیاست‌گذاری خارجی می‌شود. در این مقاله، نگارنده برای برساختن بایسته‌های پیوستار قدرت در سیاست خارجی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای مؤلفه‌های اساسی آن را براساس مدل کریستوفر هیل، مورد خوانش قرار می‌دهد. پرسش اصلی مقاله آن است که با درون‌کاوی شاخص‌های منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای کدام‌یک از جنبه‌های پیوستار قدرت در سیاست خارجی بیشتر می‌توانسته است مورد توجه ایشان قرار گیرد؟ در پاسخ به سؤال پژوهش، این فرضیه مطرح است که در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، پیوستار قدرت در سیاست خارجی توأمان معطوف به ابعاد نرم و سخت قدرت (قدرت هوشمند) بوده است. این پژوهش بر اساس ماهیت و روش توصیفی-تحلیلی است و اطاعات موردنیاز به شیوه کتابخانه‌ای و بر اساس منابع معتبر کتب، مقالات، سایت‌ها و گزارشات مستند گردآوری شده است.

واژگان اصلی: پیوستار قدرت، سیاست خارجی، آیت‌الله خامنه‌ای، قدرت نرم، قدرت سخت.

دسترسی به مقالات نشریه علمی مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی (Open Access) است.

نشریه علمی «مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی

Doi: 10.22034/irsj.2025.499252.1095

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسندگان مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

مقدمه و طرح مسئله

قدرت، مرکز ثقل روابط بین‌الملل و سیاست خارجی است و نوع و میزان استفاده از آن نشان‌دهنده درجه اهمیت و نفوذ بازیگران در نظام بین‌الملل است. در دو قرن گذشته با افزایش بازیگران بین‌المللی و دولتی و با پیشرفت روزافزون علوم و فنون و پراکندگی اطلاعات، شناخت تحولات رخ داده شده در مفهوم قدرت بیش از پیش جای توجه دارد. قدرت در هر مقطع و مرحله‌ای از تاریخ تعریف خاص خود را داشته و بسته به شرایط، مفهوم قدرت نیز تغییر و گاهی متحول گردیده است. بنابراین «قدرت» یکی از مفاهیم کلیدی و نقطه محوری در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل است؛ اما با اینکه سیاست را مبارزه‌ای برای کسب قدرت دانسته‌اند، بر سر ارائه تعریف از قدرت، اعمال کنندگان و شیوه اعمال آن اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد. قدرت در معنای عام به معنای توانمند بودن و مترادف مفاهیمی چون؛ کنترل، اقتدار، فرمان، تسلط، اختیار قانونی است؛ ولی در معنای تخصصی قدرت را می‌توان به صورت توانایی کنترل یا اثرگذاری بر دیگران یا به‌عنوان منابع مادی و دارایی خاص در اختیار دولت در نظر گرفت (Mearsheimer, 2001: p.57). در جهان امروز زمینه‌های قدرت تا حد زیادی متفاوت از قدرت نظامی، اقتصادی و مسائل فراملی است؛ مسائلی چون تغییرات آب و هوایی، تروریسم فراملی و جهان‌گیر و مطرح‌شدن بعضی چالش‌هایی که امروزه با آن مواجه هستیم و هنوز تعداد اندکی پذیرای راه‌حل‌های صرف نظامی هستند. از این‌رو تنها راه دست‌وپنجه نرم کردن با این مسائل از طریق مشارکت با دیگران بوده و نیز نیازمند قدرت هوشمند است که جاذبه قدرت نرم را با اجبار قدرت سخت ترکیب می‌کند (Nye, 2008: p.1353).

قدرت ملی نیز توانایی قابلیت و ظرفیت یک دولت و یک کشور برای استفاده از منابع مادی و معنوی خود باهدف اعمال اراده ملی و تحصیل اهداف و منافع ملی است. اگر یک کشور از قدرت ملی بالایی برخوردار باشد می‌تواند خواسته‌های خود را بدون مانع تأمین کند. نوع رفتار کشورها در نظام بین‌الملل نیز به استعداد و توانایی قدرت کشورها بستگی دارد که تا اندازه‌ای متأثر از سطح توانایی‌های اقتصادی آن‌ها در زمینه تولید ثروت و نیز توانایی‌های علمی و تکنولوژیک آن‌ها است. دولت‌ها و ملت‌ها در جهت تأمین منافع و

خواسته‌های خود در رابطه با سایر دولت‌ها با شرایط ویژه دشوار بحرانی روبه‌رو می‌شوند که خروج آن‌ها با رعایت تأمین منافع بستگی به درجه قدرت ملی کشور دارد. کشور یا کشورهای قوی‌تر در محیط بحران شرایط را به نفع خود تغییر می‌دهند و کشورهای ضعیف‌تر باید ناکامی را تحمل نموده و از تمام یا برخی خواسته‌ها و منافع خود صرف‌نظر کنند. قدرت ملی دارای مبادی و مؤلفه‌های گوناگونی هستند که به‌صورت کیفی و کمی وجود دارند. این منابع شامل عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، نظامی، فضایی، سرزمینی، فرامرزی هست. به‌عبارت دیگر قدرت ملی به مجموعه توانایی‌های مادی و معنوی که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی یک کشور یا دولت وجود دارد، گفته می‌شود. قدرت ملی ذاتاً میل به بسط و گسترش دارد؛ کشوری را نمی‌توان یافت که درصدد افزایش سطح قدرت ملی خود و ارتقای موقعیت خود در نظام بین‌المللی نباشد. کشورها برای دستیابی به قدرت بیشتر باهم رقابت می‌کنند و به دنبال کسب ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و توانایی‌های جدیدی هستند. در واقع قدرت ملی خصلتی پویا دارد و درعین‌حال که به‌صورت هدف ملی تجلی پیدا می‌کند درواقع وسیله‌ای است در دست دولت‌ها و رهبران سیاسی که از آن برای رسیدن به هدف‌های ملی و حفاظت و بسط آن استفاده می‌نمایند.

پیوستار قدرت در سیاست خارجی، توانایی ترکیب قدرت سخت و قدرت نرم است. تفاوت اصلی بین این دو نوع قدرت این است که قدرت سخت اصولاً اطاعت را از طریق تکیه بر منابع محسوس قدرت و اغلب به شیوه‌های قهری استخراج می‌نماید، درحالی‌که قدرت نرم از طریق سیاست‌ها، ویژگی‌ها و روش‌های غیر خشونت‌آمیز به کار گرفته می‌شود (Gallarotti, 2013: pp9-10). شخصیت یگانه و فرهمند آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان یک نمونه‌ای از مدل رهبری دیپلماسی انقلابی در سیاست خارجی، در سطح منطقه و نظام بین‌الملل ایشان را به یک رهبری بی‌نظیر تبدیل کرده است. این شاخص را می‌توان بیشتر از هر چیزی در هم‌ترازی و به‌کارگیری ابعاد نرم‌افزاری و سخت‌افزاری قدرت در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای دانست. بنابراین طرح‌ها، ایده‌ها و رفتارهای آیت‌الله خامنه‌ای که می‌توان آن‌ها را بال اجرایی چهارچوب‌های سیاست خارجی در بُعد ملی، منطقه‌ای و

جهانی دانست، الگویی را در عرصه داخلی و نظام بین‌المللی پیش روی سیاست‌گذاران دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی قرار می‌دهد.

با توجه به تمهیدات پروبلماتیک فوق پرسمان اساسی مقاله چنین صورت‌بندی می‌شود که؛ «با درون‌کاوی شاخص‌های منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای کدام‌یک از جنبه‌های پیوستار قدرت در سیاست خارجی بیشتر می‌توانسته است مورد توجه ایشان قرار گیرد؟» جهت پاسخ به این پرسش لازم است، مجموعه‌ای از سؤالات فرعی نیز طرح و مورد موشکافی قرار گیرد، از جمله؛ شاخص‌های پیوستار قدرت چیست؟ و مبانی فکری و راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای در حوزه سیاست خارجی کدام‌اند؟ در واقع از منظر این دو پرسش تلاش می‌شود تا به سؤال اصلی پژوهش پرداخته شود. هدف اصلی تحقیق حاضر شناسایی و تبیین الزامات و بایسته‌های پیوستار قدرت در سیاست خارجی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای است. اتکای به این منظومه فکری در سیاست بین‌الملل، راهگشای بن‌بست‌های سیاست خارجی خواهد بود.

۱. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش مستقلی در خصوص پیوستار قدرت در سیاست خارجی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای به سبک و سیاقی که نگارنده در این نوشتار در پیش گرفته است، انجام نشده است. کتاب‌ها و مقالاتی در ارتباط با سیاست خارجی دولت‌های اسلامی و جمهوری اسلامی نوشته شده؛ ولی، در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها، به بررسی پیوستار قدرت در سیاست خارجی از دیدگاه ایشان پرداخته نشده است. نخعی (۱۳۷۶)، حقیقت (۱۳۷۶)، ازغندی (۱۳۸۹)، ستوده (۱۳۸۵)، طاهایی (۱۳۸۷)، دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۸ و ۱۳۹۰)، سریع‌القلم (۱۳۷۹)، نقیب‌زاده (۱۳۸۸)، صفوی (۱۳۸۷)، عیوضی (۱۳۸۱)، یزدانی (۱۳۷۸)، غریباق زندی (۱۳۸۶)، خانی (۱۳۸۹)، رسولی ثانی‌آبادی (۱۳۹۰)، واعظی دهنوی (۱۳۹۱)، اخوان کاظمی (۱۳۹۱)، خلیلی و جعفرزاده (۱۳۹۳)، اسدی (۱۳۹۳)، متقی و آزر می (۱۳۹۳)، طباطبایی و حجازی (۱۳۹۵) و صحرایی (۱۳۹۷) نوشتارهای مفیدی درباره سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و گاه‌آ آیت‌الله خامنه‌ای نشر داده‌اند؛ اما نگارنده

در مقاله پیش‌رو، سبکی دیگر برگزیده و به بررسی پیوستار قدرت در سیاست خارجی متمایز ایران انقلابی پرداخته است. نگارنده مقاله، با در نظر گرفتن جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشور تأثیرگذار در سطح منطقه و بین‌الملل تلاش کرده است از خلال گفتارها و نوشتارهای آیت‌الله خامنه‌ای، بسامدهای پیوستار قدرت در سیاست خارجی را احصا نماید.

۲. چهارچوب نظری

پیکره نظری این پژوهش بر مبنای مدل «پیوستار قدرت» در سیاست خارجی استوار شده است. «قدرت» مفهومی بنیادی در علوم سیاسی و از متون اصلی روابط بین‌الملل است؛ اما رابطه قدرت با سیاست خارجی مورد غفلت قرار گرفته است که دلیل آن تا حدودی به این بازمی‌گردد که سیاست خارجی تا همین اواخر در دل بحث‌های کلی در باب منازعه و بنای منطقی دولت‌ها گنجانده شده بود. حجم عظیم نوشته‌هایی که در پی آثار هانس مورگنتا و جورج مدلسکی در باب قدرت در سطح بین‌المللی منتشر شده است، ارزیابی معنای قدرت در حوزه سیاست خارجی را دارای اهمیت مضاعف می‌نماید. افراد اهل علمی که درصدد اقدام به نیابت از کشور خویش هستند با سه بُعد متفاوت قدرت روبه‌رو می‌شوند. این سه بُعد عبارت‌اند از: ۱. قدرت به مثابه یک هدف؛ ۲. قدرت به مثابه وسیله یا ابزار مبادله؛ و ۳. قدرت به مثابه یک چهارچوب یا ساختار (هیل، ۱۳۸۷: ۱۸۴). این سه مضمون از قدرت در رابطه با مسئله مهم «کنشگری» درباره سرشت سیاست بین‌الملل پیوند داده شده است. در اینجا قدرت همان اقداماتی است که دولت‌ها برای عملی ساختن برخی سمت‌گیری‌ها، اجرای نقش‌ها یا دستیابی به هدف‌ها و دفاع از آن‌ها در برابر دیگران انجام می‌دهند (Holsti, 1994: p.249). از سوی دیگر مفهوم قدرت را می‌توان به سه عنصر تحلیلی متمایز تقسیم نمود: ۱. اعمالی (روند، رابطه‌ای) برای نفوذگذاری بر دولت‌های دیگر؛ ۲. منابع یا اهرم‌های به کار رفته برای موفق ساختن اعمال نفوذ؛ ۳. پاسخ به اعمال (Ibid: p.252).

قدرت به مثابه یک هدف مستقل، نشان‌دهنده نگرش معمول سیاست‌مداران و انگیزه‌های آنان است. این برداشت وجود دارد که بازیگران جهت بیشینه ساختن قدرت شخصی خویش تلاش می‌کنند؛ زیرا کنترل کردن دیگران نوعی رضایت خاطر روانی به فرد دست می‌دهد و همراه قدرت، افتخار، پول و فرصت‌ها نیز نصیب وی می‌شود. دیدگاه قدرت به مثابه ابزار مبادله، آشکارا قدرت را وسیله پیشبرد اهدافی برمی‌شمارد که از ارزش‌های دیگری جز قدرت برخاسته‌اند. بر اساس استعاره پولی جرج مدلسکی اگر دولت‌ها هم منافی (I) و هم ارزش‌هایی (V) دارند که می‌خواهند آن‌ها را حفظ و گسترش دهند، در این صورت می‌توان این منافع و ارزش‌ها را در دل مفهوم علایق محوری (C) جای داد ($I+V=C$). این علایق محوری همگی حول یکی از چهار موضوع جهان‌شمول امنیت، شکوفایی اقتصادی، هویت و اعتبار دور می‌زند. نکته مهم این است که هر وسیله مبادله‌ای فقط زمانی ارزش دارد که دیگران آن را به رسمیت شناسند؛ به همین دلیل قدرت همواره واجد عنصری مناسباتی است. منظور از قدرت به منزله چهارچوب این است که بازیگران سیاست خارجی در محیطی عمل می‌کنند که بی‌توجهی به قدرت در آن عاقلانه نیست. دولت‌ها از لحاظ توانایی شکل دادن به «محیط» بیرونی به شدت باهم تفاوت دارند. خود زبان سیاست خارجی - «برقدرت‌ها»، «قدرت‌های بزرگ»، «قدرت‌های متوسط»، «دولت‌های کوچک» و «خرده دولت‌ها» - نوعی تلاش برای بیان همین تفاوت‌ها است (هیل، ۱۳۸۷: ۱۹۱).

مسئله وسیله‌های در دسترس سیاست خارجی به هیچ‌وجه چنان‌که شاید به نظر برسد مسئله سرراستی نیست. برای ارائه نوعی گونه‌شناسی از وسیله‌ها، نقطه شروع ثمربخش تمایز گذاشتن میان قدرت سخت و قدرت نرم است. قدرت سخت قدرتی است که اجبارآمیز بوده و اغلب شکلی بی‌واسطه و فیزیکی دارد. قدرت نرم، قدرتی غیرمستقیم و بلندمدت است که بیشتر از طریق مجاب‌سازی عمل می‌کند تا زور. قدرت نرم را چنین تعریف کرده‌اند: «واداشتن دیگران [از طریق تغییر نقش آن‌ها] به این‌که همان را بخواهند که شما می‌خواهید». برخی ناظران بر این عقیده‌اند که قدرت سخت هرروز مهجورتر

می‌شود و توسل به قدرت نرم شیوه آینده اجرای سیاست خارجی است. به تعبیر دیگر شیرینی دارد جای چماق را می‌گیرد (هیل، ۱۳۸۷: ۱۹۱).

تنوع ابزارهای سیاست خارجی که یک دولت برای نفوذ گذاری بر دیگران در دسترس دارد تا حدی تابع کمیت و کیفیت توانایی‌ها است. آنچه یک حکومت می‌خواهد انجام دهد نوع هدف‌هایی که تعیین می‌کند و چگونگی انجام آن‌ها، دست‌کم تا حدی بستگی به منابعی خواهد داشت که در دسترس دارد (Holsti, 2009, p.258). در کنار توانایی‌ها و منابع، ابزارهایی که در عین حال هم پرشمارتر و هم مشخص‌تر می‌باشند، به چهار گروه کلی قابل تقسیم‌اند: ابزارهای دیپلماتیک، نظامی، اقتصادی و فرهنگی. در راهبردهای اجبارآمیز (سخت) از ابزارهای موجود در سه گروه نخست و در راهبردهای اقتناع (نرم) از هر چهار نوع ابزار می‌توانند بهره‌گیرند. هر ابزار مشخص را می‌توان به شیوه‌های بی‌نهایت متفاوت به کار برد که نباید به هیچ‌یک اجازه داد از حد توانایی‌ها درگذرند. هر ابزاری از نظر کنشگری مشکلات خاص خود را دارد (هیل، ۱۳۸۷: ۱۹۷).

رویکرد سنتی مربوط به تحلیل قدرت، متکی بر «قدرت عناصر ملی» است که میزان قدرت کشورها را بر حسب عواملی چون جمعیت، سرزمین، رفاه مادی، نیروی نظامی قدرت دریایی محاسبه می‌کند. این تعریف، مبتنی بر درک مکتب واقع‌گرایی است که به بُعد اجبار و عوامل مادی، از جمله قدرت نظامی اهمیت فراوانی می‌دهد این توجه زیاد به نیروی نظامی، در برداشت از قدرت موجب شده تا دیگر ابعاد قدرت نادیده گرفته شده یا به آن اهمیت کمتری داده شود (Baldwin, 2003: 182). به تدریج از اواخر قرن بیستم، رویکرد «قدرت ارتباطی» رهیافت قبلی را با چالش مواجه کرد. قدرت ارتباطی به‌عنوان نوعی علیت توضیح داده می‌شود که در آن، رفتار بازیگر «الف» موجب تغییر در رفتار بازیگر «ب» می‌شود. تغییر رویکرد از مفهوم قدرت، به‌عنوان منابع مادی، به قدرت به‌عنوان نوعی رابطه، موجب تحول در تحلیل‌های قدرت گردید (Baldwin, 2003: 185).

در این شیوه برخی محققان معتقدند که قدرت را باید رابطه بالقوه و بالفعل میان عوامل دانست و نه دارایی آنان. از این دیدگاه داشتن منابع، تنها یک جنبه از قدرت است و قدرت یک کشور، تا زمانی دارای ارزشمندی است که عوامل دیگر به آن پاسخ دهند.

بنابراین توجه به قابلیت‌ها و توان مادی یک کشور که دارای نقش است، شرط لازم است ولی کافی نیست. آنچه به همین اندازه اهمیت دارد، تبدیل این سرمایه و منابع در فرایندها و نفوذ و تأثیر حقیقی بر نتایج و فاکتورهای مهمی است که نتایجی را به وجود می‌آورد که بر اساس توزیع شاخص‌های سنتی قدرت، پیش‌بینی‌های غلطی خواهد داشت. از این رو به‌منظور درک نتایج سیاسی، توجه به فرایند ارتباطی حائز اهمیت است که در آن، منابع قدرت همان آثار مثبت بر نتایج است (قربانی شیخ‌نشین، ۱۳۹۰: ۱۳۰).

۳. روش پژوهش

پژوهش در دست انجام، یک نوع پژوهش کیفی است. روش کیفی پژوهش علمی یکی از دو روش مهم و رایجی است که در پژوهش‌های اجتماعی و سیاسی کاربرد دارد. هدف این روش فهم عمیق پدیده‌های اجتماعی و سیاسی از طریق گردآوری داده‌ها و رده‌بندی آنها به صورت الگوهای رفتاری است (becker, 1996 به نقل از افتخاری، ۱۳۸۵: ۴). در میان روش‌های کیفی، روش‌های تحلیل و نظریه‌پردازی متن‌محور از جایگاه قابل‌توجهی برخوردارند که یکی از پرسامدترین آنها روش نظریه‌مبنایی است که برای تکوین یک تئوری درباره موضوع پژوهش به کار می‌رود.

نظریه‌مبنایی برخلاف رهیافت قیاسی که با نظریه کلی شروع می‌شود و از فرضیه‌ها برای آزمون تجربی سرچشمه می‌گیرد، کار خود را با مشاهده شروع می‌کند و سپس الگوها، مضامین یا مقوله‌های عام را پیش‌بینی می‌کند (خلیلی شورینی، ۱۳۸۹: ۷۳).

شیوه گردآوری اطلاعات برحسب نوع پژوهش و ابزار انتخابی متفاوت خواهد بود (پورعزت، ۱۳۹۳: ۳۹). برای گردآوری اطلاعات در این پژوهش، روش کتابخانه‌ای مشتمل بر منابع علمی و تخصصی در زمینه مورد پژوهش، مقالات علمی و پژوهشی، اسناد و مدارک دست اول، آرشیو سازمان‌های رسمی و سایت‌های اینترنتی بررسی شده است.

۴. راهبردهای بنیادین منظومه گفتمانی آیت‌الله خامنه‌ای به سیاست خارجی

۴-۱. راهبرد سه‌گانه عزت، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی

«عزت، حکمت و مصلحت» را می‌توان به‌عنوان سه عامل محوری و ثابتی نام برد که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای آن شکل گرفته است. سه اصل محوری که آیت‌الله خامنه‌ای طی سال‌های گذشته به‌عنوان پایه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطرح و همچنین تعامل ایران با جهان را در سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور برپایه این سه اصل پیش‌بینی کرده‌اند. ایشان در بیان اصول سیاست خارجی معتقد به ادامه خط امام و اصل تغییرناپذیر «نه شرقی، نه غربی» هستند و بر این نکته تأکید دارند که مهم‌ترین اصل در سیاست خارجی ما، حمایت از هویت نظام اسلامی و پافشاری بر اصول و ارزش‌هاست و سه اصل «عزت، حکمت و مصلحت» را یک مثلث الزامی برای چهارچوب ارتباطات بین‌المللی نظام جمهوری اسلامی می‌دانند که نباید هیچ‌گونه خدشه‌ای به آن وارد شود. ایشان اصول نظام را منبع منافع ملی و هویت ملی و جمعی کشور دانسته و با تأکید بر حفظ سه اصل اساسی «عزت، حکمت و مصلحت» در چهارچوب ارتباطات بین‌المللی می‌فرمایند: «عزت و حکمت و مصلحت، یک مثلث الزامی برای چهارچوب ارتباطات بین‌المللی ماست. عزت: «الاسلام یعلوا و لایعلی علیه»، «لن یجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا». ما نمی‌خواهیم عزت‌مان را با تکیه بر نژاد و ناسیونالیسم و حرف‌هایی که متأسفانه همه دنیا با تکیه به آن‌ها دور خودشان یک حصار می‌کشند ثابت کنیم (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۰۴/۱۸). معنای عزت این است که جامعه و نظام اسلامی، در هیچ‌یک از برخوردهای بین‌المللی خود، نباید طوری حرکت کند که منتهی به ذلیل شدن اسلام و مسلمین شود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۱۱/۰۹). حکمت یعنی حکیمانه و سنجیده کار کردن. هیچ‌گونه نسنجیدگی را نباید در اظهارات دیپلماتیک و هر آنچه مربوط به سیاست خارجی و ارتباطات جهانی است راه داد؛ همه‌چیز باید سنجیده باشد؛ و اما مصلحت؛ مراد مصلحت شخص من و شما نیست که اگر ما این اقدام را کردیم، ممکن است برایمان گران تمام بشود، نه، گران هم

تمام بشود؛ مگر ما که هستیم؟ اگر کاری به مصلحت کشور و به مصلحت انقلاب است، ولی به مصلحت شخص من نیست، چه اهمیتی دارد؟ مصلحت یعنی مصلحت انقلاب و این مصلحت همه‌جانبه است؛ یعنی از رفتار شخصی ما به‌خصوص شما شروع می‌شود» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۰۴/۱۸).

۴-۲. راهبرد حفاظت از هویت نظام اسلامی (حفظ جهت‌گیری اسلامی انقلابی)

یکی دیگر از نشانگان گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای حفظ هویت انقلابی است که در سخنرانی‌های اخیر خود بارها و بارها بر آن تأکید نموده و به‌عنوان دال مرکزی در گفتمان ایشان مطرح شده است؛ خصوصاً در سخنرانی تاریخی خود در حرم مطهر امام خمینی (۱۴ خرداد ۱۳۹۵) برای این دال مرکزی ۵ نشانه و ویژگی برشمرده‌اند: ۱. پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی اسلام و انقلاب؛ ۲. هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آن‌ها؛ ۳. پایبندی به استقلال کشور؛ ۴. حساسیت در برابر دشمن و نقشه دشمن وعدم تبعیت از آن؛ ۵. تقوای دینی و سیاسی.

یکی از وجوه بسیار مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی در حفظ وجه انقلابی بودن سیاست خارجی آن است. انقلاب اسلامی ویژگی‌های خاصی دارد که آن را از انقلاب‌های مدرن قرن بیستم متمایز می‌کند؛ برای مثال، اینکه «انقلاب اسلامی اولین انقلابی بود که مدیون ایدئولوژی‌های اروپایی نبود و بدون قدرت حمایت‌های بزرگ به حیات خویش ادامه داد، این انقلاب بنیان‌های مذهبی بسیار عمیقی داشت که روحانیون آن را رهبری می‌کردند» (صحرايي، ۱۳۹۰: ۲۶۰). با توجه به اهداف جهان‌شمولی که جمهوری اسلامی تعقیب می‌کند، بی‌تردید منافع قدرت‌های بزرگ و مستکبر جهانی را به خطر می‌اندازد و طبیعی است که این دولت‌ها ساکت نخواهند نشست و سعی خواهند کرد با به‌کارگیری تمامی ابزار فشار و زور به طریق مختلف آن را به زانو درآورند و از تعقیب اهدافش باز دارند. چنانکه در اندیشه ایشان نیز مهم‌ترین عامل اختلاف و دشمنی ابرقدرت‌ها با ایران همین مسئله است، به‌طوری‌که می‌فرمایند: «همان چیزی که موجب دشمنی‌ها با ما است، همان موجب پیشرفت دیپلماسی ما است؛ یعنی همین روحیه

اسلامی، تمسک اسلامی، توسل و تمسک به اصول اسلامی» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۰۴/۰۵). یکی از اساسی‌ترین و اصلی‌ترین راهکارها برای حفظ هویت اسلامی در سطح بین‌الملل استفاده از ظرفیت‌های جهان اسلام و بهره‌برداری از ثمرات مفید ناشی از اتحاد با دولت‌های اسلامی است؛ چنانکه آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود خاطرنشان کردند که «نقش اسلام را در دنیا هر چه می‌توانید، پررنگ‌تر کنید. بگردید با ابتکار، ببینید کجاها می‌توان برای اسلام نقش‌آفرینی کرد، نه فقط برای ایران اسلامی، بلکه برای اسلام» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۰۴/۰۵).

۳-۴. راهبرد نفی رابطه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر

یکی از اهداف مهم استقلال در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای نفی رابطه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است. این مهم در اصل دوم قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است. گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی از همان ابتدای پیروزی انقلاب داعیه نفی رابطه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را داشته است. اساساً در نگاه فطری و ایمانی نظام جمهوری اسلامی بزرگ‌ترین ستم به جامعه جهانی، سلطه قدرتمندان، استیلای نظام سلطه و تقسیم کشورهای جهان به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر است. بر این اساس به نظر آیت‌الله خامنه‌ای تمام کشورهایی که می‌خواهند زیرسلطه نباشند و نخواهند سلطه‌گری کنند با هر نژاد و زبانی دوست ایران محسوب می‌شوند (خسروپناه و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۲۲). اصل یک‌صد و پنجاه و دو قانون اساسی نیز، اصل عدم تعهد را سرلوحه سیاست خارجی جمهوری اسلامی برمی‌شمارد: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران/اصل ۱۵۲).

آیت‌الله خامنه‌ای ضمن تأکید بر کارساز نبودن تسلیم در مقابل دشمن می‌فرمایند: «بزرگ‌ترین بلایی که مستقیم و غیرمستقیم در این دو‌یست سال دوران استعمار بر سر

ملت‌های شرق و به‌ویژه ملت‌های اسلامی آمده، همین مرعوب‌شدن و عقب‌نشینی کردن در مقابل تبلیغات و حمله‌های غرب است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۱۱/۰۹). همچنین ایشان در زمینه راه علاج و مقابله با دشمنان و بدخواهان می‌فرمایند: «ملت ایران یک راه علاج دارد و همان راه علاجی است که تا به امروز دنبال کرده و آن ایستادگی و حضور مردم در صحنه است» و تأکید می‌کنند که «عزت، آزادی و استقلال ما در سایه ایستادگی در مقابل استکبار جهانی است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۱۱/۰۹).

۵. بایسته‌های پیوستار قدرت در سیاست خارجی منظومه فکری آیت‌الله

خامنه‌ای

۱-۵. دیپلماسی فعال در سیاست خارجی

دیپلماسی به معنای فن و هنری است که توانایی برقراری صلح را دارد (Berridge, 2002: pp. 5-23). در عصر جدید، مهم‌ترین عامل قدرت ملی کشورها را «کیفیت دیپلماسی» تشکیل می‌دهد. کیفیت دیپلماسی همه عوامل مختلف تشکیل‌دهنده منافع ملی را با یکدیگر پیوند می‌دهد. بر اساس دیدگاه مورگنتا، دیپلماسی مغز متفکر قدرت ملی است؛ همان‌گونه که روحیه ملی روح آن است. اگر قدرت دیپلماتیک کشوری به‌عنوان قدرت نرم تضعیف شود، همه امتیازات ناشی از موقعیت جغرافیایی، خودکفایی، مواد خام، تولید صنعتی و آمادگی نظامی به‌عنوان قدرت سخت کارایی خود را از دست می‌دهند (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۲۴۷).

از منظر شاخص‌های سیاسی، یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحقق منافع ملی داشتن متحدان وفادار و خوش‌سابقه در نظام بین‌الملل است. آیت‌الله خامنه‌ای بر تعامل با کشورهای مختلف دنیا بر اساس اصول تأکید نموده و ادامه سیاست تنش‌زدایی را محور اصلی سیاست خارجی دانسته و تصریح می‌دارند: «مقبولیت جهانی بسیار خوب است، اما نه به بهای دست برداشتن از اصول جمهوری اسلامی که هویت ملی و جمعی ماست» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۲/۰۵/۲۹).

آنچه در پیام‌ها و فرمایشات آیت‌الله خامنه‌ای مورد تأکید بوده و در واقع ستون فقرات سیاست خارجی کشور در برخورد با استکبار را تشکیل می‌دهد، این است که در تعامل با کشورها و حضور فعال در صحنه سیاست خارجی هرگز نباید به اصول و مبانی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران کوچک‌ترین خدشه‌ای وارد شود؛ بلکه همواره باید عزت، حکمت و مصلحت نظام مورد توجه قرار گیرد و بر استقلال و عزت اسلامی و اجتماعی تأکید شود: کسی فکر کند مبانی نظری و اصولی نظام که پذیرفته شده است و پایه این نظام بر آن مبانی است این‌ها در سیاست خارجی اصلاً نباید اثر داشته باشد، نه؛ کجای دنیا این‌جوری هست که حالا یک عده‌ای می‌خواهند ایران اسلامی را این‌جوری کنند؟ مبانی ارزشی نظام که در سیاست‌های کلی نظام متجلی است، این پایه سیاست خارجی ما است، آن‌وقت سیاست خارجی بنابراین یک ستون‌هایی پیدا می‌کند که این ستون‌ها بنای سیاست خارجی ما را روی خودشان قرار می‌دهند. یکی از این ستون‌ها «استقلال» است. استقلال یعنی عدم وابستگی سیاسی؛ یعنی اتخاذ مواضع مستقل. یعنی اگر همه دنیا هم اتفاق نظر پیدا کنند در قضیه فلسطین مثلاً بر یک امری، بعد ما ببینیم که این چیزی که مورد اتفاق این‌ها است با مبانی ما تطبیق نمی‌کند، ما او را صریح رد می‌کنیم؛ مواضع مستقل (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۱/۰۵/۲۷). از دیدگاه ایشان، در سیاست خارجی جمهوری اسلامی هیچ‌گونه گردن‌کلفتی و ژست ابرقدرتی از هیچ‌کس پذیرفته نیست. کنار نیامدن با ظالم، رشوه نپذیرفتن از زورمند و زرمند، پافشاردن بر حقیقت و حمایت از مظلومان و طرفداری از اسلام، از جمله اصول مستحکم سیاست خارجی محسوب می‌شود که جنجال‌های دشمنان هم هرگز قادر به منحرف ساختن آن نخواهد بود.

آیت‌الله خامنه‌ای با بیان اینکه اگر ما برای جامعه انقلابی و اسلامی، دیپلماسی انقلابی و اسلامی قائل هستیم، باید در درجه اول جهت‌گیری اسلامی حفظ و به شجاعت در مقابل تهدیدهای دشمنان و قدرت‌های بزرگ و نیز حاکمیت عقل و منطبق بر تصمیم‌گیری‌ها و حرکات توجه شود. این خط درست دیپلماسی است. همچنین، در راستای اهمیت حفظ هویت دینی و اسلامی کشور در حوزه روابط سیاسی در سطح بین‌الملل چنین می‌فرمایند:

«ما به‌عنوان یک نظام، فرقه‌های عنصری و جوهری با بیشتر نظام‌های دنیا داریم که کاری هم نمی‌شود کرد، ما نباید از حرف‌هایمان عدول کنیم، در غیر این صورت، آن زمان جمهوری اسلامی فقط یک اسم خواهد بود ... اهداف راهبردی و قواره کلی سیاست خارجی امروز ما با ساعت اول انقلاب هیچ تفاوتی نکرده است و این همان نکته اساسی و اصلی است که در ذهن همه کارگزاران سیاست خارجی ما باید وجود داشته باشد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۰۴/۰۵).

۲-۵. دیپلماسی مقاومت در سیاست خارجی

با مطالعه مبانی فکری، بیانات و پیام‌های آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان برای دیپلماسی مقاومت «اصول، راهبردها و اهدافی» را بیان نمود که بر اساس آن زمینه‌های شکل‌گیری پارادایم مقاومت و دفاع تحقق می‌یابد. اصول این نوع دیپلماسی شامل: استقلال‌طلبی، عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی، عزت‌طلبی و صلح‌خواهی بوده و راهبردهای آن شامل: همگرایی و ائتلاف منطقه‌ای، دشمن‌شناسی و مدیریت هوشمند و شامل اهدافی همچون ایجاد عمق استراتژیک، منطقه‌گرایی نوین در غرب آسیا و جریان‌سازی و مکتب‌سازی است (صادق‌زاده، ۱۴۰۲: ۱۵۳). همان‌گونه که جمهوری اسلامی ایران برای برقراری ارتباط با سایر ملت‌ها و مدیریت افکار عمومی از دیپلماسی عمومی «در جهت تلاش و کوشش سازمان‌یافته برای تأثیرگذاری بر برداشت‌ها، انگاره‌ها، ایدئال‌ها، ارزش‌ها و باورهای دیگر ملت‌ها از طریق تبیین و اشاعه آموزه‌ها و هنجارهای اسلامی و انقلابی» عمل می‌نماید. چنان‌که آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار سفیران، کارداران و مسئولان وزارت امور خارجه، با بیان بایدها و نبایدهای دیپلماسی در نظام اسلامی می‌فرماید که با روحیه صحیح انقلابی و دیپلماسی هوشمندانه و هدفمند، می‌توان روابط خارجی را گسترش داد و عناصر قدرت نظام را به پشته‌های برای دستاوردهای سیاسی و دیپلماسی تبدیل کرد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۷/۰۵/۰۱). دیپلماسی هوشمندانه و عمومی در تعامل جدی با سه حوزه سیاست، قدرت سخت و قدرت نرم است (بشیر، ۱۳۹۵: ۱۱۶).

۵-۳. فهم جدیدی از منافع ملی

منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای با معرفی مفهوم جدید از منافع ملی که با فهم مورد نظر در غرب در تعارض است، به ترویج منافع ملی هنجاری پرداخت. منافع ملی هنجاری بُعد معنوی دارد که با مفهوم منافع ملی مورد نظر غرب و برخی کشورها یکی نیست. به عبارت دیگر، همچنان که سازه‌انگاران می‌گویند بُعد غیرمادی به‌اندازه بُعد مادی در سیاست خارجی کشورها اثر دارد. در حقیقت، در این مکتب، ایران بر اساس «منطق نتایج» رفتار نمی‌کند، بلکه اقدام آن مبتنی بر «منطق تناسب» است. یعنی رفتار سیاست‌های خارجی ایران باید با هنجارها و ارزش‌های بین‌الادّهانی اسلامی که نقش اجتماعی آنان ایجاب می‌کند، تناسب داشته باشد. جمهوری اسلامی ایران در فرایند تصمیم‌گیری سیاست‌گذاری خارجی با این‌گونه پرسش‌های اساسی و بنیادی روبه‌رو است. موقعیتی که در آن قرار گرفته است که چه نوع وضعیتی است؟ کدام‌یک از نقش‌های متعدد ملی آن با این وضعیت و موقعیت تناسب دارد؟ این بدان معناست که ایران بر اساس هنجارهایی رفتار می‌کند که هویت و نقش آن را به‌عنوان «جمهوری اسلامی» تعریف و تبیین می‌کند. بنابراین، هنجارها به معنای انتظارات بین‌الادّهانی مبتنی بر ارزش، رفتار و کنش سیاست خارجی جمهوری اسلامی را هدایت می‌کنند. براین هنجارهای درونی شده داخلی و هنجارهای فراملی مشترک، هویت و منافع ایران را تعیین می‌کنند که به‌نوبه خود رفتار خارجی آن را برمی‌انگیزد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۴۷). به همین دلیل است که رفتارهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در برخی مناطق نظیر کمک به جنبش‌های آزادی‌بخش، یاری رساندن به مظلومان فلسطینی و غیره برای بسیاری که با منطق نتیجه به منافع ملی می‌نگرند، قابل درک نیست.

یکی از اصول کلیدی در تعریف منافع ملی در جمهوری اسلامی ایران، استقلال و خودکفایی است. استقلال به معنای عدم وابستگی به قدرت‌های خارجی و توانایی کشور در تصمیم‌گیری‌های مستقل است. این اصل به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی و نظامی مورد تأکید قرار گرفته است (موسوی، ۱۳۹۸).

همچنین از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای نیز استقلال و خودکفایی در تمامی زمینه‌ها، به‌ویژه در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جایگاه محوری دارد. ایشان همواره بر لزوم استقلال کشور از قدرت‌های خارجی تأکید داشته و آن را به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین عناصر حفظ عزت و کرامت ملی مطرح کرده‌اند. به گفته ایشان، «استقلال و خودکفایی، پایه‌های اساسی عزت و قدرت ملت ایران هستند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹). استقلال اقتصادی نیز به‌عنوان یک راهبرد ملی در جمهوری اسلامی ایران از دیگر جوانب این اصل است که با تأکید بر «اقتصاد مقاومتی» تعریف شده است. اقتصاد مقاومتی به معنای کاهش وابستگی به واردات و تقویت تولید داخلی برای مقابله با فشارهای اقتصادی خارجی است. از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، «اقتصاد مقاومتی تنها راه حفظ استقلال اقتصادی و تأمین منافع ملی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵).

امنیت ملی از دیگر محورها و مؤلفه‌های اصلی منافع ملی در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای است. امنیت ملی نه تنها به معنای حفظ تمامیت ارضی کشور، بلکه به معنای ایجاد و حفظ ثبات و آرامش داخلی در مقابل تهدیدات خارجی و داخلی است (فلاح‌زاده، ۱۳۹۷). ایشان در این باره می‌گویند: «هیچ قدرتی نباید جرئت کند امنیت ملی ما را تهدید کند؛ این امنیت پایه‌گذار تمام توسعه‌ها و پیشرفت‌ها است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷). از جمله مؤلفه‌های امنیت ملی می‌توان به توان دفاعی، امنیت اقتصادی و اجتماعی و امنیت انرژی اشاره کرد. بر اساس پژوهش‌ها، توسعه صنایع دفاعی و نظامی به‌عنوان یکی از راهکارهای مؤثر برای حفظ امنیت ملی و مقابله با تهدیدات خارجی مورد تأکید قرار گرفته است (کریمی، ۱۳۹۸). آیت‌الله خامنه‌ای همواره بر لزوم تقویت ملزومات امنیت ملی به‌ویژه بر اهمیت نیروهای مسلح و صنایع دفاعی تأکید کرده‌اند. به‌طورکلی ایشان تأمین امنیت ملی، یک پیش‌نیاز اساسی برای دستیابی به سایر منافع ملی است.

۴-۵. امنیت ملی و پایدار

در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، امنیت از اساسی‌ترین نیازهای مردم و جزو حقوق مسلم آنان است که کاملاً عینی، واقعی و ملموس است و اگر وجود نداشته باشد، هیچ

کاری حتی عبادت خداوند هم برای مردم امکان‌پذیر نیست. بنابراین، ضرورت وجود امنیت برای تداوم حیات جامعه و انجام فعالیت‌های اقتصادی، علمی و اجتماعی مورد تأکید ایشان است و در کل ایشان شرط حرکت اجتماعی جامعه و کشور را وجود امنیت می‌دانند. بدون امنیت هیچ اقدامی ممکن نیست و رشته‌های یک مملکت از هم گسسته خواهد شد. برخی گزاره‌ها در بیانات ایشان به شرح زیر است:

«امنیت، موضوع مهمی است، و نقش آن در زندگی اجتماعی، نقش بسیار بالایی است. آحاد ملت، برای اینکه بتوانند در محیط کسب‌وکار، فعالیت اجتماعی و زندگی خصوصی، کار صحیح خود را انجام دهند و حتی به عبادت خدا با دل آرام و خاطر جمع مشغول باشند، محتاج امنیت‌اند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۳/۰۴/۲۹).

«اگر ولایت اسلامی باشد، زندگی زیر سایه امیرالمؤمنین^(ع)، برای همه حاصل خواهد شد؛ برای مؤمن، برای فاسق و برای کافر حتی کفار هم در آن، راحت زندگی می‌کنند، این جور نیست که در آن، فقط آدم‌های پرهیزگار، راحت باشند، غیر پرهیزگار هم از امنیت آن محیط، از مساوات، از عدالت و از آرامش معنوی در آن محیط، استفاده می‌کنند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۸/۰۱/۱۶).

«اگر امنیت نباشد، فعالیت اقتصادی هم دیگر نخواهد بود. اگر امنیت نباشد، عدالت اجتماعی هم نخواهد بود. اگر امنیت نباشد، دانش و پیشرفت علمی هم نخواهد بود» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۰۱/۰۶). «اگر وحدت ملی و امنیت ملی تأمین شد، دولت هم مجال پیدا می‌کند که کارهای خود، مسئولیت‌های خود، وظایف بزرگ خود، برنامه‌های سازنده خود را اجرا کند؛ می‌تواند به اقتصاد مردم برسد، به اشتغال مردم برسد، به مسائل زندگی مردم رسیدگی کند، به مسئله فرهنگ کشور رسیدگی کند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۰۱/۲۶).

«در فضای امنیت است که هم تلاش علمی، هم تلاش اقتصادی، هم روحیه و نشاط و هم همه فعالیت‌های یک کشور می‌تواند به درستی برنامه‌ریزی بشود و با دقت دنبال شود و به نتایج خود برسد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۰۷/۱۸). بنابراین «امنیت یک زمینه برای همه موفقیت‌ها و پیشرفت‌ها است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۶/۰۸/۱۸).

«یک ملت برای اینکه قله‌های کمال مادی و معنوی و قله‌های عزت و شرافت را فتح کند، به امنیت و به آسوده‌خیالی از تهاجم دشمنان احتیاج دارد. بدون احساس امنیت و بدون حضور آرامش و اطمینان، در هیچ کشوری نه علم می‌تواند پیشرفت کند، نه مقامات معنوی و اخلاقی ملت‌ها می‌تواند به آن نقطه مطلوب برسد. دنیا و آخرت را با امنیت می‌توان تأمین کرد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۶/۰۸/۰۲).

۵-۵. عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی

اصل دیگر پیوستار قدرت در منظومه اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی است که به‌عنوان دال متعالی در ارتباط با سایر ملت‌ها و دولت‌های خارجی مبین ماهیت فراملی انقلاب اسلامی در نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و مبارزه با ظلم و استعمار و استکبار است؛ بنابراین، عدالت‌طلبی، عمدتاً در کانون منابع هویتی قرار دارد و موجب بازتولید و تکوین متقابل منابع هویت‌ساز در سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌شود (نوری و ملکوتی، ۱۳۹۱: ۲). همان‌گونه که آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم، عدالت را در صدر هدف‌های اولیه همه بعثت‌های الهی بیان فرموده که در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). ایشان انقلاب اسلامی را «قیام‌الله» می‌داند و آن اقامه عدل و قسم و ترویج معنویت است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۱/۰۳/۱۴). لذا در دنیا هر جا که ندای عدالت‌خواهی بلند شده است، این انقلاب با حق‌جویان و عدالت‌خواهان همراهی کرده است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۲/۱۱/۲۴). بنابراین گفتمان عدالت به هویت، عقلانیت، منافع، ارجحیت‌ها و تلقی ایران از واقعیت‌ها در تعاملات با سایر بازیگران بین‌المللی شکل می‌دهد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۷۱). همچنین ایشان بر ماهیت ظلم‌ستیزی الگوی مقاومت تأکید دارند و می‌فرمایند: «ما اگر چنانچه به توحید اعتقاد داریم، نمی‌توانیم زیر بار زور و ظلم برویم، نمی‌توانیم در مقابل ظالم نایستیم. هر جا مظلومی هست و نصرتی الزام است، ما آنجا حاضریم» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۰۱/۲۵).

عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی، ترکیب قدرت نرم با قدرت سخت است که در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان اصل اثباتی-انتقادی، به تغییر نظم موجود و بازسازی وضعیت مطلوب اسلامی تأکید دارد. در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای با توجه به آموزه‌های اسلامی و حفظ کرامت انسانی، اصل ظلم‌ستیزی لازمه و مکمل استکبارزدایی و استعمارستیزی است. در اصل ۱۵۴ قانون اساسی نیز از تعهد جمهوری اسلامی ایران به حمایت از مبارزات حق‌طلبانه مستضعفان و ستمدیدگان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان سخن می‌گوید. چنان‌که آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران می‌فرماید که انقلاب بر اساس تعالیم اسلام، ضرورت مقابله با ظلم و ستم را در هر شرایطی به مسلمانان آموخت؛ بنابراین، در مبارزه مظلوم با ظالم و ستمگر هیچ مرزی وجود ندارد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۹/۰۶/۲۹). حاصل این اصل راهبردی، تقویت نظریه مقاومت و گفتمان جامع فراملی است که جوان‌های عراق، سوریه، لبنان، فلسطین، شمال آفریقا و مناطق شبه‌قاره و اطراف آن را هم در مقام نظر و هم در مقام عمل به میدان آورد.

۵-۶. صلح طلبی مثبت

در منظومه گفتمانی آیت‌الله خامنه‌ای، صلح‌طلبی مثبت در پرتوی قاعده نفی سبیل «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) به‌عنوان یکی از اصول و بایسته‌های پیوستار قدرت در سیاست خارجی است. صلح در مکتب دفاعی آیت‌الله خامنه‌ای زمانی معنا می‌یابد که تضمین‌کننده و تأمین‌کننده استقلال و عزت جهان اسلام و ملت مظلوم باشد؛ از این رو، ایشان در دیدار با وزیر اوقاف و جمعی از علمای سوریه، قاعده نفی سبیل و عزت اسلامی را دو روی یک سکه دانسته که دشمن با یک چنین ملتی کاری نمی‌تواند بکند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۱۲/۱۰). بنابراین در روابط خارجی اسلام نه جنگ دائمی وجود دارد و نه صلح دائمی؛ بلکه جنگ را از دیدگاه دفاع مشروع و حقه‌جانب توصیف می‌کند؛ اما در پی صلح‌طلبی و روابط مبتنی بر مسالمت‌آمیز است که این همان دیپلماسی است (مرزبانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۶۲).

چنان‌که ایشان در پاسخ به نامه «شهید اسماعیل هنیه» رئیس سابق و فقید دفتر سیاسی حماس فرمودند که: «امروز بازگشت به عزت و اقتدار برای امت اسلامی منحصرأ در گرو ایستادگی در برابر استکبار و نقشه‌های خباثت‌آمیز آن است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴).

بدین ترتیب، شکل‌گیری سلطه و مقاومت به‌عنوان راهبرد از سوی جبهه‌های استکباری و مقاومت در صحنه منطقه‌ای و بین‌المللی دنبال می‌شود. تداوم تقابل دو جبهه، به تداوم حضور و الهام‌بخشی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان بازیگر اصلی و کانونی این جبهه‌بندی بستگی دارد. بنابراین مکانیسم تحقق صلح در اسلام، به معنای فقدان جنگ نیست؛ بلکه به مفهوم قطع عوامل به وجود آورنده جنگ است. از این رو، تلقی آیت‌الله خامنه‌ای از هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و اصل صلح‌طلبی در پرتو قاعده نفی سبیل، صلح پایدار و عادلانه‌ای است که دربرگیرنده امنیت، آرامش، حفظ کرامت انسانی، دفاع از حقوق همه مسلمانان، احترام متقابل و برابری ملت‌ها و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر باشد. بر اساس این اصل، مقاومت ملل محروم و تحت ستم در برابر نظام سلطه؛ جهت محقق ساختن صلح عادلانه و رعایت حقوق ملت‌ها است «چون معتقدیم باید أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ و رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ بود؛ این خط مسلم جمهوری اسلامی است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۰۵/۲۴).

۷-۵. مبارزه با ظالم و دفاع از مظلوم

حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان یکی دیگر از ارزش‌های ماهوی منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای است که موجب ارتقای جایگاه انقلاب اسلامی در میان طبقات مظلوم و مستضعف کشورها و جلب توجه آن‌ها به ایران می‌شود. هنجار مبارزه با ظلم و ستمگری و دفاع از مظلوم، نشان‌دهنده پسوند «عدالت‌گرایانه» در موضوع «صلح عدالت‌گرایانه» است. در واقع، صلح‌طلبی عدالت‌گرایانه در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران، متضمن احقاق حقوق مسلمانان و مستضعفان در چهارچوب مصالح اسلامی و بشری است. این اصرار بر مقابله با ظالمان و حمایت از مظلومان، علاوه بر این‌که ریشه در

جهان‌بینی اسلام شیعی برای مبارزه با بی‌عدالتی دارد، ناشی از باورهای اجتماعی مشترک و تجارب تاریخی ایرانیان برای اجتناب از تکرار تحقیرهای گذشته ایران به دست قدرت‌های بزرگ است (Eisenstadt, 2015: p.19). با این حساب از آنجایی که حمایت انقلاب اسلامی از مظلومان و مستضعفان جهان سبب جلب علاقه و اشتیاق آن‌ها به انقلاب و موطن آن یعنی ایران می‌شود، می‌توان این ارزش را به‌مثابه منبعی برای تأثیرگذاری نرم‌افزاری در پیوستار قدرت سیاست خارجی جمهوری اسلامی قلمداد کرد.

در چهارچوب منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، که در ساختار سیاست خارجی جمهوری اسلامی نهادینه شده است، پشتیبانی و دفاع از حقوق مسلمانان در سه سطح عملی می‌شود؛ نخست؛ در سطح امت و جهان اسلام به‌صورت پشتیبانی از نهضت‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش اسلامی نمود می‌یابد. دوم؛ پشتیبانی و دفاع از مسلمانانی که در حال مبارزه برای احقاق حقوق خود هستند. سوم، دفاع از حقوق اقلیت‌های مسلمان در کشورهای غیراسلامی (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۳۵). سه ویژگی کنشگری جنبش‌های اسلامی در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای عبارتند از: ۱. این جنبش‌ها بازیگران غیردولتی هستند؛ ۲. دین، ایدئولوژی، ایده‌ها و انگاره‌ها نقش تعیین‌کننده و مقوم در تکوین، توسعه و تعریف اهداف و آرمان‌های آن‌ها ایفا می‌کند؛ ۳. انگیزه‌های رفتاری و راهبرد این جنبش‌ها در پیگیری اهداف و آرمان‌های غیرمادی است.

انقلاب اسلامی ایران خودآگاهی مستضعفان و محرومان و احیای خودباوری، اعتماد به نفس و بیداری اسلامی در میان ملت‌های مسلمان، بر اهمیت جنبش‌های آزادی‌بخش اعم از اسلام‌گرا و استعمارستیز به‌عنوان بازیگران نوین در نظام بین‌المللی را افزایش داد و با تأکید بر آرمان‌های آزادی، عدالت اجتماعی و نفی دخالت قدرت‌های خارجی موازنه قدرت را به نفع جبهه‌ای سوم در نظام بین‌المللی تغییر داد. این مهم به‌ویژه در جنبش‌های آزادی‌بخش اسلامی اهمیت بیشتری یافت؛ چراکه آنان با سامان دادن نهضت بیداری اسلامی از پایین و با تأکید بر نقش ملت‌ها و قبول مسئولیت‌پذیری بر اساس مردم‌محوری، مرزهای صوری و ظاهری را در هم شکستند. این جنبش‌ها با استفاده از آرمان‌های دینی و اسلامی و معنوی و نیز تلفیق بین اخلاق، دیانت و سیاست در فرهنگ سیاسی ملت‌های

خود تحولی شگرف ایجاد کردند که مشخصه‌های آن را می‌توان استقلال‌خواهی، عدالت‌محوری، حق‌گرایی، معنویت‌طلبی، اخلاق‌گرایی و تعامل دین و دولت ذکر کرد. این تحولات در دو عرصه فکری و شهادت‌طلبانه تجلی بیشتری یافت که نمونه آن را می‌توان در انتفاضه مردم مسلمان فلسطین و حزب‌الله لبنان مشاهده کرد (دهشیری، ۱۳۸۸: ۱۵۸).

۵-۸. نفی نظام سلطه

در جهان‌بینی اسلامی، معیار شناختی و ارزش‌گذاری بر اساس مرزهای ملی صورت نمی‌گیرد؛ بلکه از منظر ایمان به اسلام، دو قلمرو دارالاسلام و دارالکفر از یکدیگر مجزا می‌شوند و هرگونه سلطه غیرمسلمان بر مسلمان غیرقابل پذیرش است. بنابراین جمهوری اسلامی ایران یک دولت ضد هژمونیک است و به دنبال حذف انواع استعمار، استبداد و امپریالیسم است (Mohammad Nia, 2012: p.40). جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون ایالات متحده را «شیطان بزرگ» و تجسم «غرور جهانی» و دشمن اصلی خود و تهدید اصلی منافع و بقای کشور می‌داند. به عبارتی، ایران خود را به‌عنوان کشوری شیعه و پیروز نهایی در برابر ناسازگاری تعریف می‌کند و از سوی دیگر، آمریکا را به‌عنوان یک کشور قلدر ریاکار معرفی می‌کند که این بازنمایی، چهارچوب گفتمانی خاصی را ایجاد می‌کند (Duncombe, 2016: p.637).

راهبرد ضدیت با نظام سلطه را باید انعکاس ارزش بایسته استقلال و مقاومت در رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی و منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای دانست؛ یعنی از آنجایی که در گفتمان انقلاب اسلامی اتخاذ موضع مستقل و ایستادگی در برابر ابرقدرت‌های جهانی به‌مثابه یک ارزش تلقی می‌شود، جمهوری اسلامی ایران نیز مسیر حرکت خود را در محیط بین‌المللی بر همین اساس ترسیم کرده است که خطوط کلی آن را می‌توان در اصل دوم و سوم قانون اساسی سراغ گرفت (سعیدی و مقدم‌فر، ۱۳۹۳: ۱۱۹). ضدیت با نظام سلطه که طی چهار دهه گذشته به‌عنوان یک راهبرد مستمر و تغییرناپذیر همواره سرلوحه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده و تجلی آن در رفتارها و کنش‌هایی نظیر تداوم خصومت با ایالات متحده و رژیم صهیونیستی یا مقاومت سرسختانه در مقابل فشار کشورهای غربی در جریان کشمکش هسته‌ای قابل مشاهده

است، برای بسیاری از افراد و گروه‌های سلطه‌ستیز و منتقد ساختار ظالمانه و ناعادلانه سیاست بین‌الملل در نقاط مختلف جهان جذابیت دارد (سعیدی و مقدم‌فر، ۱۳۹۳: ۱۲۰) و موجب دل‌بستگی عمیق آنان به جمهوری اسلامی در سپهر سیاست خارجی گردیده است. به‌طور خلاصه مواضع و دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای نسبت به ساختار نظام بین‌الملل را به‌صورت تیتروار می‌توان چنین ارزیابی نمود: ۱. ارزیابی انتقادی به فرایندهای سیاست بین‌المللی؛ ۲. تقسیم نظام بین‌المللی به دو گروه کشور؛ الف: نظام سلطه (شامل کشورهای سلطه‌گر و کشورهایی که سلطه را می‌پذیرید و با آن همراهی می‌کنند). ب: نظام ضد سلطه (شامل کشورهایی که با سلطه‌گری مخالف می‌کنند)؛ ۳. مقابله با تهدید از راه ائتلاف؛ ۴. اجتناب از ائتلاف با کشورهای سلطه‌گر؛ ۵. مبتنی بر الگوی اسلامی - ایرانی؛ برآمده از هویت دینی و دارای عناصر مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، فقهی و منطبق بر ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی و نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۹۴).

۹-۵. مقاومت و پایداری

مقاومت و پایداری یکی از هنجارهای مهم هویتی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای است که الهام گرفته از آموزه‌های مذهبی دین اسلام به‌خصوص مذهب شیعه است. بر اساس این هنجار هویتی، روحیه سازش‌ناپذیری و تحمل مشکلات ناشی از آن برای دولت اسلامی ایران به یک ارزش بدل می‌شود و بخشی از هویت آن را شکل می‌دهد (رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۸۲). «آموزه مقاومت» از طرفداران خود می‌خواهد در برابر تهدیدات دشمن ایستادگی کنند و مصالحه در خصوص مسائل اصلی را نفی می‌کند، با اعتقاد بر اینکه در مبارزه با حاصل جمع صفر، سازش نشانه‌ای از ضعف است و توسط دشمنان اسلام مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. مقاومت و ایستادگی در طول تاریخ، بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ راهبردی در حوزه سیاست خارجی ایرانیان بوده است (Mohammad Nia, 2012: p.41). نتیجه‌گفتمان مقاومت در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای در میان بخشی از مردم کشورهای هم‌جوار ایران و منطقه اشغالی فلسطین گسترش پیدا کرده است. برخی

در کشورهای لبنان، سوریه و عراق همسو با جریان مقاومت، نگران برنامه‌های رژیم صهیونیستی برای سلطه بر منطقه هستند.

رهبر جمهوری اسلامی، سیاست خارجی ایران را بر مبنای مقاومت در برابر امپریالیسم و سلطه غرب و به‌ویژه آمریکا از راه خاورمیانه و جهان اسلام قرار داده است (Solingen, 2012: 223). در این منطق ایدئولوژی و استراتژی در اندرکنش پیچیده‌ای با یکدیگر قرار می‌گیرند. سیاست خارجی جمهوری اسلامی در حوزه استراتژیک دغدغه‌های اساسی همچون هژمونی منطقه‌ای در چهارچوب عرصه اثرگذاری خود به‌ویژه در مسائل اقتصادی و فرهنگی؛ گسترش پهنه اثرگذاری؛ ثبات منطقه‌ای و مسئله ایالات متحده را مدنظر دارد (Lowe and Spence, 2006: 6).

ایران یک دولت دفاعی (و نه تهاجمی) است و اصول اساسی آن عبارتند از: امنیت ملی و ثبات و بقای نظام به‌عنوان ام‌القرای جهان اسلام و ضد سلطه؛ سیاست خارجی و امنیتی ایران متأثر از دوگانه منافع ملی و ایدئولوژی صورت‌بندی می‌شود؛ ایران به امنیت ملی بیش از امنیت خارجی اهمیت می‌دهد؛ درک نظام از تهدیدها نسبت به منافع ملی و اصول کانونی ایدئولوژیکی رفتار ایران را چه در سطح ملی و چه بین‌المللی برمی‌انگیزد؛ ایران در اجرا و به سرانجام رساندن رفاه ترجیح‌های تاریخی دارد؛ استراتژی‌ها و دکترین‌های نظامی ایران نسبت به سلطه نظامی متداول منطقه‌ای ایالات متحده و متحدانش واکنش نشان می‌دهد.

۵-۱۰. دفاع همه‌جانبه

«دفاع همه‌جانبه» عبارت است از: آماده‌سازی و به‌کارگیری تمامی سرمایه‌های انسانی و امکانات مادی و معنوی، به‌منظور پیشگیری و مقابله با هر نوع تهدید و تهاجم دشمنان داخلی و خارجی (قهرمانی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۶۶). دفاع همه‌جانبه در برابر تهاجم خارجی از هنجارهای مهم و تأثیرگذار در فرهنگ عمومی و سیاسی ایرانیان محسوب می‌شود که وارد فرهنگ راهبردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شده است. وجود چنین هنجاری در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران بدین معنا است که

هرگونه تهاجم خارجی به ایران با مقاومت همه‌جانبه مردمی مواجه خواهد شد (ترابی، ۱۳۹۰: ۲۵۱).

منظور از دفاع همه‌جانبه در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، دفاعی با ابعاد مختلف در قبال تهدیدهای پیچیده و دارای جنبه‌های متعدد است که با حفظ تمامیت ارضی، تمامیت فرهنگی و تمامیت سیاسی-اجتماعی و اقتصادی در ابعاد فردی و جمعی کشور سروکار دارد. لازمه انجام این نوع دفاع، علاوه بر نهادهای نظامی، انتظامی و امنیتی، بیداری و هوشیاری عمومی و در صحنه بودن مردم کشور است؛ زیرا تهدیدهای همه‌جانبه تمامیت یک کشور و ملت را در برمی‌گیرد و به دنبال تغییر ماهیت کشور از استقلال به وابستگی همه‌جانبه است. بنابراین به لحاظ ماهیت، دفاع همه‌جانبه ماهیتی چندبُعدی و چندلایه دارد و به لحاظ گستره، هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی است و چون با بود و نبود کشور و انقلاب و نظام اسلامی مرتبط است، برای استمرار نظام اسلامی و ارزش‌های آن بسیار ضروری و حیاتی است (ناظمی اردکانی و الوندی، ۱۳۹۳: ۱۱۶).

۱۱-۵. صدور انقلاب

با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل دولت اسلامی، بحث صدور انقلاب به یکی از موضوعات مهم جامعه انقلابی ایران تبدیل شد. انقلاب ایران که برآمده از مکتب جهان‌شمول اسلام بود نمی‌توانست به مرزهای جغرافیایی ایران محدود شود و از طرف دیگر انقلاب ایران با به چالش کشیدن ایدئولوژی‌های شرقی و غربی و تلاش برای کسب استقلال از آن‌ها، ملت‌های جهان به‌ویژه محرومین و مظلومین را خطاب قرار داد از این جهت بود که رساندن پیام اسلام و انقلاب به گوش جهانیان به‌عنوان یک رسالت و وظیفه انقلابی در دستور کار سیاست خارجه قرار گرفت (یزدانی و خجسته، ۱۳۹۱: ۶۰).

صدور انقلاب ایران را می‌توان به معنای ترویج گفتمان انقلاب اسلامی دانست که به دلیل ماهیت جهان‌شمول دین اسلام به‌نوعی متضمن آگاهی‌بخشی و رهایی‌بخشی دیگران است (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۸: ۱۲۸). صدور انقلاب اسلامی به‌عنوان یک اصل در سیاست خارجی مطرح است که با الهام‌گیری از آموزه‌های اصیل اسلامی نظیر حمایت

از مظلومان و مستضعفان و نفی سلطه طاغوت و استکبار در پی رهایی مظلومان از بند استکبار و رساندن پیام انقلاب ایران به جهانیان است. در واقع، انقلاب اسلامی فقط پدیده‌ای تاریخی نیست که در بهمن ۱۳۵۷ اتفاق افتاده باشد، بلکه مهم‌تر از آن آغاز یک گفتمان جهان‌شمول و رهایی‌بخش و نویدبخش آزادی و مبارزه علیه ظلم در جهان بود. صدور انقلاب اسلامی و دعوت از تمامی جهانیان برای آشنا شدن با مبانی انقلاب هدف اصلی سیاست خارجی ایران است (ملکی، ۱۳۸۵: ۶۸). در واقع، تداوم انقلاب در گرو صدور آن است که به‌عنوان یکی از مسئولیت‌های وزارت امور خارجه می‌توان آن را مطرح ساخت.

در همین راستا، یکی از وظایف اصلی دولت اسلامی، مخصوصاً در دورانی که سلاح تبلیغات و فرهنگ جایگزین اسلحه آتشین شده است، اصل دعوت است. تعطیل کردن اصل دعوت به شکل دائم چیزی جز اعلام انصراف از ارزش‌های ایدئولوژیک نیست. به همین سبب، تصور نمی‌شود ضرورت یا مصلحتی چنان قوی باشد که بتواند مهم‌ترین وظیفه دولت اسلامی را برای همیشه تعطیل نماید (حقیقت، ۱۳۷۶: ۶۱). به این ترتیب، مبارزه برای ایجاد اتحاد واقعی و پیوند عقیدتی میان ملل اسلامی یک رسالت جهانی است که انقلاب اسلامی ایران به دوش کشیدن بار آن را یکی از اهداف و آرمان‌های خود قرار داده است (Benard & Khalilzad, 1984: p.147). در اینجا اتحاد و پیوند مقدم بر هرگونه انفصال و جدایی است و اصلاً هدف از صدور انقلاب ایجاد یک حس مشترک بین مسلمانان و ملل محروم و ستمدیده در مرحله اول و سایر ملت‌ها در مرحله بعدی است.

می‌توان گفت همان‌گونه که دولت اسلامی انجام امور داخلی را وظیفه خود می‌داند، در قبال مسائل خارج از مرزها نیز مسئولیت‌هایی را متوجه خود می‌داند. انقلاب اسلامی ایران نیز با بهره‌گیری از یک ایدئولوژی فراملی بر پایه اسلام و بر اساس تکلیف اسلامی به گسترش اصول و مبانی اصلی خود اقدام کرده است. ماهیت اسلامی انقلاب ایران، ایدئولوژی اسلامی این انقلاب را از همان آغاز به یک ایدئولوژی فراملی تبدیل ساخته بود، یک ایدئولوژی با محتوا و پیام جهانی که حداقل در میان یک میلیارد مسلمان دارای گوش‌های شنوا و قلب‌های پذیرنده بود (خرمشاد، ۱۳۸۱: ۶۶).

اکنون که جمهوری اسلامی ایران به‌صورت مرکز جهان اسلام درآمده است، مکلف و موظف به پیگیری این هدف در عرصه‌های بین‌المللی است. فراتر از این ماهیت فراملی انقلاب اسلامی نیز صدور انقلاب را به جوامع و ملت‌های دیگر ایجاب می‌کند. انقلاب فراملی برخلاف انقلاب ملی، دارای ارزش‌ها و آرمان‌هایی است که فراتر از مرزهای جغرافیایی ملی می‌رود و به یک ملت و محدوده سرزمینی ملی تعلق ندارد. این‌گونه انقلاب‌ها خواهان تغییر و تحولات ساختاری و هنجاری در جوامع و کشورهای دیگر هستند. بنابراین، علاوه بر استقرار و تثبیت انقلاب اسلامی در قلمرو سرزمین ایران برپایه آموزه «انقلاب مستمر» هدف راهبردی دیگر تدارک انقلاب‌های مشابه در جوامع متجانس اسلامی بر مبنای تز «انقلاب مستمر» است؛ یعنی اشاعه و گسترش ارزش‌های انقلابی و اسلامی جهت زمینه و بسترسازی برای تغییر و تحول انقلابی در محیط‌های پیرامونی جمهوری اسلامی ایران و فراتر از آن (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۶۱).

۵-۱۲. استقلال‌طلبی و خودکفایی

استقلال‌طلبی، خودکفایی و مقاومت در برابر سلطه‌گری قدرت‌های بزرگ در زمره بنیادی‌ترین ارزش‌های انقلاب اسلامی و منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای به شمار می‌آیند که در ارتباط تنگاتنگ با ارزش‌های دیگری مانند آزادی، عدالت، جهاد، ایثار و شهادت، منظومه کامل گفتمانی انقلاب را هویت و معنا می‌بخشند. جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های گذشته، با تجربه تلاش برای براندازی از سوی دشمنان روبه‌رو بوده و به همین دلیل، یکی از شیوه‌های حفظ بقا و تداوم خود را تلاش برای خوداتکایی و خودکفایی در سطح راهبردی می‌داند (ترابی و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۵۷). قرار گرفتن ایران در موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک بی‌نظیر باعث شده است این کشور همواره در طول تاریخ کانون توجه به قدرت‌های بین‌المللی و در معرض طمع و تهدید، مداخله و تجاوز آن‌ها قرار گیرد و همین ذهنیت وجود عنصر خارجی، باعث ایجاد نوعی بیگانگی‌ستیزی و احساس استقلال‌خواهی در ایرانیان و فرهنگ سیاسی و راهبردی آن‌ها شده است. بنابراین ایران تلاش می‌کند وابستگی خود را به قدرت‌های خارجی از بین ببرد. توسعه فناوری بومی

برای دستیابی به خوداتکایی، وابستگی به منابع خارجی را کاهش می‌دهد (Mohammad Nia, 2012: p.40).

هنجار استقلال و مقاومت که منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای آن را در هیئت یک ارزش سیاسی به جهان عرضه کرد، مورد علاقه و احترام بسیاری از ملت‌های آزادی‌خواه و ضد امپریالیست در سراسر جهان قرار دارد. یعنی آن‌ها انقلاب اسلامی را به دلیل التزامش به ارزش استقلال‌طلبی و مقاومت در برابر نظام سلطه ارج می‌نهند. جالب است که این ارج‌گذاری تنها مختص ملت‌های مسلمان نیست بلکه حتی در میان غیرمسلمانان استکبارستیز در نقاط مختلف دنیا نیز می‌توان مشتاقانی را سراغ گرفت که شیفته هویت مستقل و مقاوم انقلاب اسلامی و منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای هستند.

۵-۱۳. قدرت هوشمندانه

جمهوری اسلامی ایران تاکنون راهبرد امنیتی قدرتمند نرم - سخت (یا همان قدرت هوشمندانه) را دنبال کرده و قدرت نرم را بیش از قدرت سخت کانون توجه قرار داده است. قدرت نرم ایران مبتنی بر تغییر در توانایی ایران برای معرفی خود به‌عنوان رهبر همه مسلمانان در خاورمیانه است. در این تفسیر، اسلام شیعی به‌عنوان یک منبع قدرت شناخته می‌شود. از آنجاکه قدرت نرم شامل عناصر غیرنظامی قدرت ملی است، جمهوری اسلامی ایران خود را به‌عنوان یک شریک قابل اعتماد و همچنین یک نیروی اخلاقی و روبه‌رشد در جهان معرفی می‌کند (Eisenstadt, 2015: p.12).

دشمنی با جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر با ابزار جنگ نرم و هوشمند علیه نظام مقدس اسلامی بوده است. اهداف ویژه از این جنگ‌های استراتژیک که در عرصه بین‌المللی علیه ایران به راه افتاده است؛ شامل مشروعیت‌زدایی از هویت ملی جمهوری اسلامی، تکذیب حقوق ملی ایران برای تصمیم‌گیری برای آینده کشور، تصویرسازی از ایران به‌عنوان یک واحد سیاسی تهدیدگر که تمامی جامعه بین‌المللی را با چالش مواجه می‌سازد و مهم‌تر از همه، براندازی نظام اسلامی ایران می‌شود (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۵۱). بنابراین، جمهوری اسلامی ایران با اتکای به گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای، با کاربست نوعی

مهندسی معکوس، به تمهید آنتی‌تز امنیت نرم علیه تز جنگ نرم و هوشمند پرداخته است. این نوع امنیت، اتکا بر همکاری برای نیل به هدف را محوریت می‌بخشد تا فضای مفهومی برای توسعه امنیت نرم تولید گردد. حتی بنا بر نظر برخی صاحب‌نظران، اساساً قدرت نرم و هوشمند شکلی از فراقدرت را ارائه می‌کند. این فراقدرت، شرایطی را بیان می‌دارد که بر اساس آن، روابط قدرت، درون مجموعه‌ای از روابط اجتماعی جای می‌گیرد که بر روابط و نتایج نهایی تأثیر می‌گذارد (Hall, 1997: p405 به نقل از جعفری، ۱۳۹۲: ۱۵۱).

اگرچه اجرایی کردن راهکارهای فوق کار آسانی نیست و نیاز به هزینه و زمان دارد ولی به نظر می‌رسد برای ایجاد امنیت پایدار نظام جمهوری اسلامی در گفتمان سیاست خارجی رهبری ضرورت دارد.

۵-۱۴. بازدارندگی

مطالعات امنیتی کلاسیک، ویژگی بازدارندگی را عقلانی و جهانی می‌دانند. بازدارندگی عمدتاً مبتنی بر قدرت سخت است و پیوستار قدرت عامل مهمی در صلح و آرامش بین‌المللی است. جمهوری اسلامی در عمق راهبردی خود به افزایش قابلیت بازدارندگی تمایل دارد. زیرا در زمان‌های مختلف، جمهوری اسلامی با تهدیدهای مختلف از جانب دشمنان روبه‌رو بوده است. مبانی اسلام شیعی و تجارب تاریخی ایرانیان از جمله جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران، از مهم‌ترین منابع شکل‌دهنده به هنجار بازدارندگی در راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. از طرف دیگر، موقعیت ژئوپلیتیکی و نظام بین‌الملل از منابع شکل‌دهنده به هنجار بازدارندگی در فرهنگ راهبردی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌باشند. همان‌طور که واقعیت دشمنی‌های همیشگی علیه جمهوری اسلامی ایران، حس انزوای ایران را تقویت کرده‌اند، ایران بازدارندگی، آمادگی دفاعی و خودکفایی را پایه اهداف امنیتی بلندمدت خود قرار داده است (Knepper, 2008: p.456). خصوصیات و ویژگی‌های ایران به‌گونه‌ای است که رسیدن به حداقل بازدارندگی در سطح منطقه و نیروهای غربی مستقر در آن و به‌خصوص برابر رژیم

صهیونیستی امنیت انقلاب اسلامی در برابر ایالات متحده را نیز تأمین خواهد نمود (رحیمی روشن، ۱۳۹۶: ۹۳).

در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای راهبرد بازدارندگی برون‌مرزی شامل چهار لایه است که از مرزهای سرزمینی یا مرزهای جغرافیایی ایران شروع شده و تا کرانه‌های دریای مدیترانه و تنگه باب‌المنذب امتداد می‌یابد. لایه دفاعی اول این استراتژی از مرزهای جغرافیایی و رسمی ایران آغاز شده و شامل بخش‌هایی از خاک عراق می‌شود. به لحاظ اولویت‌سنجی این لایه مهم‌ترین و حیاتی‌ترین بخش راهبرد برون‌مرزی است. کانون توجه استراتژیست‌های ایران نیز عمدتاً بر این بخش متمرکز است. لایه حفاظ دفاعی دوم از بخش‌های غربی بغداد شروع شده و با عبور از بخش‌های سنی‌نشین عراق وارد سوریه شده و تا بلندی‌های جولان را پوشش می‌دهد. اهمیت این سنگر اگرچه از لایه اول بیشتر نباشد بدون تردید کمتر نیست؛ چراکه سرزمین سوریه واصل لایه اول با لایه سوم است. چنانچه دچار فروپاشی شود لایه دفاعی سوم نیز در معرض خطر وجودی قرار می‌گیرد و عملاً ایران راهبرد برون‌مرزی خود را با یک‌لایه فعال می‌کند. آن چیزی که این لایه را تقویت می‌کند ملاحظات ژئوپلیتیکی مشترک سوریه و ایران نسبت به وجود دشمن و تهدید مشترک و نگرانی از محاصره شدن توسط رژیم‌های مخالف است. در واقع ائتلاف مخالفان آن‌ها از جمله رژیم صهیونیستی، ایالات متحده، عربستان و امارات اتحاد این دو کشور را تقویت کرده است (فتحی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۷۶).

لایه دفاعی سوم نیز بلندی‌های جولان و سرزمین لبنان را در برمی‌گیرد. این لایه یک اهرم بازدارنده در برابر تهدید رژیم صهیونیستی است. راهبرد ایران در برابر تهدید رژیم صهیونیستی مبتنی بر این ایده است که بهترین دفاع در اختیار داشتن قابلیت حمله خوب است (Pan, 2006: p9). مقصود از حمله خوب در اختیار داشتن یک سنگر بازدارنده مستحکم و رزمندگان بدون مرز در کنار مرزهای رژیم صهیونیستی است. واقعیت این است که تا قبل از وقوع بحران در حلقه دفاعی دوم، ارتباط ایران با شرق مدیترانه با سهولت و هزینه به مراتب کمتر صورت می‌گرفت و آزادی عمل بیشتری جهت نقش‌آفرینی در مسائل شرق مدیترانه است (Bartell and Gray, 2012: p136). منتها بحران سوریه حتی حلقه سوم را تهدید

می‌کند؛ زیرا از بین رفتن نفوذ ایران در حلقه دوم، بدون تردید پایداری نفوذ ایران در حلقه سوم یا مناطق واقع در شرق مدیترانه و چانه‌زنی در مسائل لبنان را نیز با تردید جدی مواجه خواهد ساخت و نهایتاً با از دست رفتن لایه‌های بازدارنده دفاعی ایران در سوریه و لبنان، دشمنان و رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قادر خواهند بود به تدریج به مرزهای ایران نزدیک شوند. هرچند اولویت اول نگهداشت و حفظ امنیت در سنگر اول است، منتها به صورت هم‌زمان تقابل با گروه‌های تکفیری در لایه دفاعی دوم و تقویت بازوی بازدارندگی در برابر رژیم صهیونیستی در سنگر سوم انجام می‌شود (Goldman and Bruton, 2018). لایه بازدارنده چهارم در یمن تعریف شده است؛ این لایه نیز دقیقاً در حیاط خلوت یکی از رقبای منطقه‌ای یعنی عربستان دایر شده است، چنین لایه‌ای یک هشدار بازدارنده برای عربستان سعودی و متحدان این کشور است که از بحران‌آفرینی در مرزهای ایران خودداری کنند. با توجه به اهمیت تنگه باب‌المندب، خلیج عدن و دریای سرخ در تجارت دریایی ایران قطعاً حفظ آن برای ایران نیز حیاتی است (فتحی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۷۶).

نتیجه‌گیری

در این مقاله، نگارنده تلاش کرد برای برساختن پیوستار قدرت در سیاست خارجی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای مؤلفه‌های اساسی آن را بر اساس مدل کریستوفر هیل، مورد خوانش قرار دهد. پرسش اساسی مقاله آن است که با درون‌کاوی گفتارها و نوشتارهای آیت‌الله خامنه‌ای، کدام‌یک از جنبه‌های پیوستار قدرت در سیاست خارجی بیشتر می‌توانسته است مورد توجه ایشان قرار گیرد. آنچه در بازنمودن بایسته‌های سیاست خارجی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای از منظر پیوستار قدرت گشودنی و تفسیر کردنی است، تأیید همان فرض اولیه پژوهش است و آن این‌که در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، پیوستار قدرت در سیاست خارجی توأمان هم معطوف به ابعاد نرم و هم معطوف به ابعاد سخت قدرت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است.

جمهوری اسلامی ایران همواره با تهدیدات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری متعددی روبه‌رو بوده و به همین دلیل نیازمند بهینه‌سازی موقعیت خود از طریق نوعی سیاست خارجی مبتنی بر پیوستار قدرت است. در این راستا پیوند مؤلفه‌های قدرت نرم و قدرت سخت که الگوی نظری پیوستار قدرت است را می‌توان در سیاست خارجی منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای جست‌وجو نمود. اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای پایه‌گذار عمق‌بخشی استراتژیک از نوع سیاست خارجی مبتنی بر پیوستار قدرت است که ایشان توانستند با تقویت ابعاد نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، قدرت ایران را در منطقه و جهان نشان دهند و امنیت پایدار را برای کشور به ثبات برسانند. این منظومه گفتمانی میراث و الگویی را در عرصه سیاست خارجی و نظام بین‌الملل پیش‌روی دستگاه دیپلماسی و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد.

فهرست منابع:

- افتخاری، قاسم (۱۳۸۵). «بررسی روش‌شناختی پایان‌نامه‌های دوره دکتری علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه تهران». پژوهشنامه علوم سیاسی. شماره ۵. زمستان. صص ۲۱-۱.
- بشیر، حسن (۱۳۹۵). دیپلماسی گفت‌وگویی: تعامل سیاست، فرهنگ و ارتباطات، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- ترابی، قاسم (۱۳۹۰). «فرهنگ راهبردی بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران»، در کتاب: فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران، ویراسته محمود عسگری، چاپ اول، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- جعفری، علی‌اکبر (۱۳۹۲). «قدرت هوشمند و براندازی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره دوم، شماره ۳، ۱۳۳-۱۵۵.
- حقیقت، سیدصادق (۱۳۷۶). «مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی»، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸-۱۴۰۴). بیانات از سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۴۰۴.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷). بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، ۲۲ بهمن‌ماه.
- خسروپناه، عبدالحسین و همکاران (۱۳۹۶). «منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای»، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۸). «بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی در روابط بین‌الملل»، تهران: علمی و فرهنگی.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸). «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: سمت.
- رحیمی روشن، حسن (۱۳۹۶). «بازدارندگی منطقه‌ای و تأمین امنیت جمهوری اسلامی ایران»، دوفصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل، شماره ۱، ۷۹-۹۹.
- رسولی ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۹۰). «هویت انقلابی اسلامی نظام جمهوری اسلامی ایران در گفتمان‌های مختلف سیاست خارجی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست‌وپنجم، شماره ۱، ۲۹-۴۸.

- سعیدی، روح‌الامین؛ حمیدرضا مقدم‌فر (۱۳۹۳). «منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی»، دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال چهارم، شماره یازدهم، ۱۰۷-۱۲۶.
- صادق‌زاده، محمدعلی (۱۴۰۲). «نقش آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین دیپلماسی مقاومت با تأکید بر دکتَرین دفاعی»، مطالعات دفاع مقدس، دوره ۹، شماره ۱ (پیاپی ۳۳)، ۱۵۳-۱۷۷.
- صحرائی، علیرضا (۱۳۹۰). «درآمدی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، مشهد: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی مشهد.
- صحرائی، علیرضا (۱۳۹۷). «بایسته‌های سیاست خارجی در سامانه فکری آیت‌الله خامنه‌ای»، قم: انتشارات واصل لاهیجی.
- فتحی، محمدجواد؛ عیوضی محمدرحیم؛ پیرانی، شهره (۱۳۹۹). «جایگاه راهبرد بازدارندگی برون‌مرزی در منظومه دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران در آسیای جنوب غربی»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره نهم، شماره دوم، ۲۶۵-۳۰۳.
- قربانی شیخ‌نشین، ارسلان؛ کرمی، کامران؛ عباس‌زاده، هادی (۱۳۹۰). «قدرت هوشمند؛ تحول نوین قدرت در عصر جهانی‌شدن»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره چهارم، ۱۲۵-۱۵۰.
- مرزبانی، حسین؛ ترابی، محمد؛ شیرخانی، علی (۱۴۰۱). «نقش دیپلماسی دفاعی در تحقق امنیت تمدن اسلامی در عصر جهانی‌شدن»، مطالعات دفاع مقدس، دوره ۸، شماره ۴ (۳۲)، ۱۶۳-۱۸۸.
- ملکی، عباس (۱۳۸۵). «کندوکاوها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، مفاهیم مطرح و فرایند انجام در سیاست خارجی»، راهبرد یاس، شماره ۵، ۵۵-۸۶.
- مورگنتا، هانس. جی (۱۳۷۴). «سیاست میان‌ملت‌ها؛ تلاش در راه قدرت و صلح»، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
- ناظمی اردکانی، مهدی؛ الوندی، محمدجواد (۱۳۹۳). «دفاع همه‌جانبه؛ راهبرد تأمین امنیت نظام اسلامی از منظر امام خمینی^(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای»، آفاق امنیت، سال هفتم، شماره ۲۲، ۱۱۳-۱۳۳.

- نوری، وحید؛ ملکوتی، محمد (۱۳۹۱). «جایگاه عدالت‌طلبی در منابع هویت‌ساز سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۶، شماره ۱، ۳۰-۱.
- هیل، کریستوفر (۱۳۸۷) «ماهیت متحول سیاست خارجی»، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- Baldwin, D. 2003. Power and International Relations, In W. Carlsnaes et al., eds. Handbook of International Relations, London: Sage.
- Berridge, C. R. (2002). Diplomacy theory and practice, New York: Palgrave.
- Duncombe, Constance (2016). Representation, Recognition and Foreign Policy in the Iran-USA relationship, European Journal of International Relations, 2016, Vol. 22(3), pp. 622-645.
- Eisenstadt, Michael (2015). "The Strategic Culture of The Islamic Republic of Iran: Operational and Policy Implications", Middle East STUDIES, Marine Corps University, August, No. 1.
- Gallarotti, giulio. M. (2013). "Smart Power: What is it, Why it is important and the conditions for its effective use", Division II, Faculty Publications Wesleyan University, pp.1-61.
- Holsti, K. J (1983), International Politics; a Framework for Analysis, New Jersey, Prentice-Hall International Inc.
- Mearsheimer, John J. (2001). The Tragedy of Great Power Politics. New York: Norton.
- Mohammad Nia, Mahdi (2012) Discourse and Identity in Irans Foreign Policy, Iranian Review of Foreign Affairs, Vol3, No3, Fall2012, pp29-64.
- Nye, Joseph. 2008. "Public Diplomacy and Soft Powe, The Annals of The American Academy of Political and Social Science, AAPSS, 616, March.